آیا درباره ی این حیوان که الله به تو داده است، از الله نمی ترسی؟ این حیوان نزد من شکایت می کند که او را گرسنه نگه می داری و خسته اش می کنی (و از او زیاد کار می کشی).

از ابوجعفر عبدالله بن جعفر رضی الله عنهما روایت است که می گوید: روزی رسول الله صلی الله علیه وسلم مرا پشت سر خویش سوار مرکب کرد و سخنی در گوش من گفت که آن را برای هیچکس بازگو نمی کنم. بهترین چیزی که رسول الله صلی الله علیه وسلم دوست داشت هنگام قضای حاجت خود را پشت آن پنهان کند، تپه ی خاک و نخلستان بود. ایشان واردِ باغِ یکی از انصار شد و آنجا شتری دید. شتر همین که رسول الله صلی الله علیه وسلم را دید، صدایی از گلوی خود درآورد و چشمانش پر از اشک شد. پس رسول الله صلی الله علیه وسلم نزد شتر رفت و بر سر و گوش و کوهانش دست کشید. آنگاه شتر آرام گرفت. سپس فرمود: «مَنْ رَبُّ هَذَا الجَمَلِ؟ لِمَنْ هَذَا الجَمَلُ؟»: «صاحبِ این شتر کیست؟ این شتر، مالِ کیست؟» جوانی از انصار آمد و گفت: مال من است ای رسول خدا. رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: «أفَلا تَتَّقِي اللَّهَ في هذِهِ البَهِيمَةِ الَّتي مَلَّكَكَ اللّٰهُ إيَّاهَا؟ فَإنَّهُ يَشْكُو إلَيَّ أنَّكَ تُجِيعُهُ وتُدْئِبُهُ»: «آیا درباره ی این حیوان که الله به تو داده است، از الله نمی ترسی؟ این حیوان نزد من شکایت می کند که او را گرسنه نگه می داری و خسته اش می کنی (و از او زیاد کار می کشی)».

[صحیح است] [به روایت ابوداوود - به روایت احمد - به روایت مسلم]

از عبدالله بن جعفر رضی الله عنهما روایت است که روزی رسول الله صلی الله علیه وسلم او را پشت سر خود سوار مرکب نمود و سخنی در گوشش گفت که دوست نداشت به مردم بگوید، زیرا راز پیامبر بود. و خبر می دهد که بهترین چیزی که رسول الله صلی الله علیه وسلم دوست داشت هنگام قضای حاجت خود را پشت آن پنهان کند، مکانی مرتفع و یا نخلستان پر درخت بود، تا هیچ کسی ایشان را نبیند. گرچه این بستان دارای کشتزارهای بلند بود، اما برای نشستن مناسب نبود. ایشان واردِ باغِ یکی از انصار شد و آنجا شتری دید. شتر همین که رسول الله صلی الله علیه وسلم را دید، گریه کرد. پس رسول الله صلی الله علیه وسلم نزد شتر رفت و کوهان و پشت گوشش را دست کشید. سپس سراغ صاحب شتر را گرفت. جوانی از انصار آمد و گفت: من صاحب شترم. رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: «آیا درباره ی این حیوان که الله به تو داده است، از الله نمی ترسی؟ این حیوان نزد من شکایت می کند که تو او را گرسنه نگه می داری و خسته اش می کنی (و از او زیاد کار می کشی)».

http://www.sunnah.global/hadeeth/fa/show/8842